

فرحنده باد روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر و روز همبستگی رزمجویانه با پیکار کارگران جهان!



شماره ۶۵۹، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۲

درباره آفرین تحولات عراق:

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به حزب کمونیست عراق
مصاحبه با رفیق حمید موسی

انتشار نخستین شماره روزنامه «طریق الشعب» در عراق
در صفحات ۷، ۹، ۱۱ و ۱۲

طرح مزایای پایان کار

چیست و چرا کارگران

با آن مخالفند؟

به دنبال سلسله اعتراضات کارگری در مناطق مختلف کشور، در اول بهمن ماه امسال، معاون تنظیم روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی طی مصاحبه‌ای خاطر نشان ساخت؛ مصوبه اخیر شورای عالی کار با توافق

ادامه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

کارگران و زحمتکشان در راه تحقق حقوق پایمال شده صنفی، و در صفی واحد با جوانان، دانشجویان و زنان، به مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه و استقرار صلح، آزادی و عدالت اجتماعی ادامه می دهند

کارگران و زحمتکشان مبارز روز اول ماه مه، روز جهانی همبستگی رزمجویانه کارگران و زحمتکشان سراسر جهان و روز تجدید عهد ترقی خواهان جهان با آرمان‌های والای طبقه کارگر برای رهایی از زنجیر استثمار سرمایه و دست‌یابی به برابری و عدالت اجتماعی، فرا می‌رسد. کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا رسیدن این خجسته عید کارگری را به همه کارگران و زحمتکشان میهن ما که همچنان پایدار و خلل‌ناپذیر در راه تحقق حقوق پایمال شده شان بر ضد ارتجاع حاکم می‌رزمند تبریک می‌گوید و امیدوار است که سال پیش رو سال پیروزی‌های مهم در نبرد برای رهایی میهن از زنجیرهای استبداد باشد.

امسال صد و هفدهمین سالگرد برگزاری این عید کارگری در سراسر جهان است. طبقه کارگر جهانی و متحدان آن در شرایطی به استقبال این روز می‌روند که امپریالیسم جهانی با اتکا به هژمونی نظامی - اقتصادی خود تلاش دارد تا «نظم نوین جهانی» را که چیزی جز اعمال دیکتاتوری در روابط بین‌المللی نیست به ملل جهان تحمیل کند. تهاجم وسیع سرمایه انحصاری بر ضد حقوق کارگران که طی سده‌ها مبارزه قهرمانانه تحقق یافته است، در کنار اتخاذ سیاست‌های مخرب در زمینه محیط زیست، تشدید فقر و سنگینی سدها میلیارد بدهی کشورهای در

حال رشد، که فشار اصلی آن بر دوش زحمتکشان است، تحمیل یک سیاست تجاری عمیقاً نابرابر و مخرب بر کشورهای جهان در کنار استفاده از جنگ و تهاجم نظامی به عنوان ابزاری در راه تحقق سیاست‌های مورد نظر انحصارها، در مجموع وضعیت بسیار بغرنج و دشواری را در مبارزه طبقه کارگر بر ضد حاکمیت جهانی سرمایه داری پدید آورده است. شرکت وسیع اتحادیه‌های کارگری و سندیکاهای اعتراضات وسیع مردمی بر ضد روند جهانی شدن و همچنین در ماه‌های اخیر در تظاهرات پر شکوه میلیون‌ها انسان صلح دوست و آزادی خواه در سراسر جهان نشانگر اراده خلل‌ناپذیر کارگران و زحمتکشان جهان در ادامه مبارزه برای رهایی از ستم سرمایه و دست‌یابی به صلح و عدالت اجتماعی در گوشه و کنار جهان است.

از نخستین جشن اول ماه مه در میهن ما که در اردیبهشت ماه ۱۳۰۱ بر پا شد بیش از ۸۱ سال می‌گذرد. از آن روز تا به امروز بررغم همه فشارها، با وجود سرکوب خونین حکومت‌های پلیسی و ضد ملی، کارگران و زحمتکشان ایران این روز را هر ساله به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از پیکار طبقاتی، صنفی و سیاسی خود برگزار کرده‌اند و امسال نیز اول ماه مه فرصتی است

ادامه در صفحه ۱۰

کارگران و زحمتکشان و احیای حقوق سندیکایی

در سال گذشته، کارگران و زحمتکشان ایران شاهد تحریک جدیدی از سوی خانه کارگر و دیگر نهادهای وابسته به رژیم در مسایل کارگری بودند. این ترفند نوین، با توجه به رشد چشمگیر آگاهی طبقاتی کارگران، که خواستار تشکیل سندیکاهای اتحادیه‌های مستقل و واقعی خود هستند، تنظیم و اجرا شده است.

رژیم ولایت فقیه با تلاشی عنودانه در صدد برآمد و هم‌اکنون نیز در صدد است شکل‌هایی مانسند خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و جز اینها را به عنوان تشکل‌های واقعی و مستقل کارگری ایران به مجامع معتبر بین‌المللی نظیر سازمان بین‌المللی کار (ILO) و فدراسیون سندیکایی جهانی، معرفی کرده و کرسی خاصی را برای خود به جنگ بیاورد و از این طریق به نهادهای وابسته و ارتجاعی در داخل و خارج کشور مشروعیت بخشیده و جنبش پرتوان کارگری - سندیکایی را مهار کند. بعلاوه رژیم ولایت فقیه کوشش می‌کند با تجزیه و تقسیم بندی در جنبش سندیکایی کارگران ایران این جنبش را به زائده جناح بندی‌های حکومتی مبدل ساخته و از نیروی زحمتکشان به سود حفظ خود سوء استفاده کند.

در این خصوص علیرضا محبوب طی مصاحبه‌ای گفته

ادامه در صفحه ۴

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

ادامه طرح مزایای پایان کار چیست ...

نمایندگان کارگران و کارفرمایان کشور به تصویب رسیده است و ناظر بر اجرای ماده ۱۹۱ قانون کار بوده و از این جهت اعتراضات برخی کارگران به این مصوبه مبنای قانونی ندارد. وی همچنین تصریح کرد، براساس این ماده قانونی، شورای عالی کار به تازگی کلیه کارگاه های کوچک کمتر از ۱۰ نفر را از شمول ماده ۳۷ قانون کار به مدت سه سال معاف کرد، ولی مقررات جایگزینی را در نظر گرفته است! اندکی پس از این، وزارت کار در زیر فشار اعتراضات کارگران و زحمتکشان اعلام داشت که با خروج کارگاه های با ۱۰ نفر کمتر از شمول قانون کار، مجموعه مقرراتی را برای حمایت از کارگران مقرر ساخته، که تحت عنوان مزایای پایان کار به مورد اجرا گذاشته می شود. این طرح از جمله مقرر می دارد که، چنانچه کارفرما بدون علت کارگری را اخراج کرد، مرجع حل اختلاف می تواند با توجه به شرایط، به نسبت هر سال سابقه کار دستمزدی بین ۴۵ تا ۷۵ روز تحت عنوان مزایای پایان کار به نفع کارگر اخراج شده، صادر نماید.

همان گونه که ملاحظه می شود، حق اخراج بدون علت برای کارفرمایان محفوظ است. یکی از مسئولان وزارت کار در خصوص محتوی و ویژگی های طرح مزایای پایان کار به خبرگزاری جمهوری اسلامی از جمله خاطر نشان ساخت؛ هرگاه یک کارگر آیین نامه انضباطی کارگاه را نقض کند، کارفرما حق دارد با وی قطع همکاری کند (یعنی او را اخراج نماید)، ولی می تواند معادل سالی یک ماه حقوق به عنوان سنوات خدمت به وی پرداخت کند، در عین حال چنانکه قطع همکاری به واسطه از کارافتادگی و یا بازنشستگی کارگر باشد، کارفرما باید براساس آخرین مزد کارگر به نسبت سال سابقه خدمت به میزان ۳۰ روز مزد به وی پرداخت کند. به این ترتیب رژیم ولایت فقیه با نبود کردن امنیت شغلی زحمتکشان به سیاستهای کارگر ستیزانه خود جامه قانونی پوشانده و برای فریب کارگران نیز به اصطلاح مقررات جایگزین در قالب طرح مزایای پایان کار ایجاد کرده است!

این مجموعه مقررات و طرح واقعاً مضحک، به هیچ رو، تامین کننده منافع و حقوق طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان نیست. باید پرسید، چگونه هنگامی که کارگری از سوی کارفرما اخراج می شود و تحت حمایت قانون کار نیست و به بیانی از شمول این قانون مستثنی شده، در همان حال می تواند، پس از اخراج به نسبت سابقه شغلی خود به میزان ۳۰ روز دستمزد دریافت کند؟! در اینجا وزارت کار و نیز تشکل های زرد و ارتجاعی همچون خانه کارگر و کانون شوراها، اسلامی کار، خاک به چشم کارگران می پاشند. با تصویب و اجرای آیین نامه ماده ۱۹۱ قانون کار، بخش بزرگی از کارگران و زحمتکشان از شمول قانون کار حذف شده و هنگام اخراج بازخرید و جز اینها، هیچ مزایا و حقوق شناخته شده شامل حال آنان نمی گردد. به علاوه، این به اصطلاح مزایای پایان کار اکثریت بزرگی از کارگران را که با شیوه ضد انسانی قراردادهای موقت به کار اشتغال دارند، در نظر نیاورده و به هیچ رو از آنان سخنی نمی گوید. این گروه کارگران طبیعتاً از تمام مزایای قانونی بی بهره هستند! در کنار همه اینها، باید افزود؛ با حذف اغلب مواد قانون کار، کارفرمایان و سرمایه داران این امکان را بطور قانونی کسب کرده اند که، به میل و اراده خویش، هرگونه تغییری را در شرایط کار و مقررات آن پدید آورده، و با این تغییرات در واقع سخن گفتن از پرداخت حق سنوات و مراجعه به هیئت حل اختلاف بی پایه و بی اساس است!

هم اکنون اعتراضات کارگری برضد این مصوبه یعنی خروج کارگاه های کمتر از ده نفر از شمول قانون جریان دارد. پراکندگی این اعتراضات از یک سو و نبود سندیکاهای واقعی کارگری از دیگر سو، منجر بدان می شود که نتایج قابل لمس به دنبال نداشته باشد. اما همین اعتراضات پراکنده و غیر

مشکل هراس گردانندگان رژیم را برانگیخته و در این خصوص است که، وزارت کار و به دنبال آن خانه کارگر اعلام داشته اند، موارد استثناء قابل توجهی برای زحمتکشان پس از مصوبه شورای عالی کار در نظر گرفته اند. وزارت کار یادآور شده، نزدیک به ۳۰ ماده از مواد قانون کار شامل این استثناء می باشد و در کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر کماکان اجرا خواهد شد. نظری گذرا به این مواد نشان می دهد، تمامی آنها فقط ناظر بر قوانین تغییر در وضعیت مالکیت کارگاه ها، وضعیت دوران خدمت سربازی کارگران و نظایر آن است، و تقریباً مواد غیر اساسی را در بر می گیرد. در نتیجه با اطمینان باید گفت طرح مزایای پایان کار جز یک ادعای عوام فریبانه چیز دیگری نیست و صرفاً برای فریب افکار همگانی و انحراف اذهان زحمتکشان مطرح می گردد و جنبه عملی و واقعی ندارد.

علاوه بر همه اینها، با توجه به اینکه رژیم ولایت فقیه در حال اجرای سیاست ضد ملی و ضد کارگری اصلاح ساختار اقتصادی و خصوصی سازی گسترده است، کلیه این مقررات حمایتی که با بوق و کرنا اعلام می شوند، حتی جنبه تبلیغاتی و ظاهری خود را از دست می دهند. برای نمونه، صنایع نساجی کشور را در نظر بیاوریم. وضعیت فاجعه بار صنعت نساجی ایران بر هیچکس پوشیده نیست، مقاومت و مبارزه قهرمانانه کارگران این رشته صنعتی نیز که برای تامین منافع خود می رزمند، از عرصه های جدی جنبش کارگری سندیکایی طی چند سال اخیر به حساب می آید. در دهم بهمن ماه رسانه های همگانی خبر دادند، با تصمیم سهامداران، کلیه حقوق و مطالبات کارگران صنایع نساجی استان مازندران تا پایان سال جاری پرداخت خواهد شد. حسین اسدی مسئول کارخانجات نساجی مازندران در این زمینه گفت: در راستای سیاستهای حمایتی دولت در امر بازسازی و احیای صنعت نساجی و بر اساس مصوبه کمیته بحران نساجی کشور، مقرر شده است، با افزایش سرمایه گذاری سهامداران و تخصیص اعتبارات ارزی و ریالی توسط دولت طرح نوسازی و بازسازی و عملیات تکمیل کارخانجات نساجی مازندران بزودی به مرحله اجرایی در آید.

طبق اطلاعات این مقام مسئول، نوسازی در کارخانه تلار قائم شهر و انتقال کارخانه گونی بافی به خارج شهر و نیز تکمیل بازسازی کارخانه طبرستان بزودی آغاز می گردد که در آن بخش خصوصی نقش اساسی خواهد داشت. اما مهمترین و شاید اصلی ترین بخش این طرح، تعدیل نیروی انسانی است. مسئول کارخانجات نساجی مازندران در این باره تاکید کرده: یکی از اهداف طرح احیاء و بازسازی صنعت نساجی در مازندران تعدیل نیروی انسانی می باشد، زیرا باید مساله سود برای سهامداران و بخش خصوصی که مبادرت به سرمایه گذاری می کنند، تضمین شود.

بر پایه آمار ارائه شده توسط وی طی ماه گذشته و همزمان با طرح بازسازی نساجی مازندران، تاکنون ۵۰۰ کارگر از کارخانه طبرستان ۲۰۰ کارگر از کارخانه گونی بافی و ۴۳۰ کارگر از کارخانه تلار بازخرید، و یا مشمول طرح بازنشستگی پیش از موعد شده و شماری نیز اخراج گردیده اند. طرح بازسازی و احیا کارخانجات نساجی مازندران نمونه تمام عیار سیاستهایی است که هدف آن تامین منافع کلان سرمایه داری به زیان منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است.

کوتاه سخن: آنچه تحت عنوان مزایای پایان کار برای فریب کارگران مطرح می شود، صرفاً جنبه تبلیغاتی داشته و فاقد محتوی واقعی است. تنها با مبارزه متشکل و آگاهانه می توان با این اقدامات کارگر ستیزانه به مقابله برخاست و توطئه های رژیم را نقش بر آب کرد.

سال های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷، بیش از ۴۰۰ هزار کارگر با قراردادهای موقت در بدترین شرایط ممکن در چهار گوشه کشور به کار مشغول بوده و از ابتدایی ترین حقوق خود نیز محروم؛ این آمار در چند سال گذشته افزایش یافته و اکنون بیش از یک میلیون تن بر اساس قراردادهای موقت به کار اشتغال دارند.

خواست لغو قراردادهای موقت به موازات پرداخت حقوق معوقه اینک از اصلی ترین شعارهای جنبش کارگری- سندیکایی میهن ماست. نباید فراموش کرد رشد قراردادهای موقت سبب رشد سرسام آور پدیده دردناک حقوق های معوقه شده است. به عبارتی این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. عقد قراردادهای موقت در هر جایی به همراه خود مساله تعویق در پرداخت دستمزدها را داشته، تظاهرات هزاران کارگر قهرمان چیت سازی به شهر در اواخر فروردین ماه امسال بهترین گواه این واقعیت است. کارگران در به شهر هم خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده خود بودند و هم لغو قراردادهای موقت را طلب می کردند.

مبارزه برای لغو قراردادهای موقت، مبارزه ای برای تامین امنیت شغلی زحمتکشان است. طبقه کارگر ایران خواستار لغو کلیه قراردادهای موقت در تمامی سطوح و انعقاد قراردادهای دستجمعی است. لغو قراردادهای موقت و پرداخت بموقع دستمزدها خواست بحق زحمتکشان ایران است.

ادامه طرح بازنشستگی ...

محروم جامعه ما و طیف گسترده ای از زنان که شامل طبقات کارگر و میانه حال می شود، ارتباط دارد. در این طرح می بایست اولویت به زنان سرپرست خانوار، زنان خانه دار خانواده های کارگری و کارمندی، زنان خانه دار در مناطق روستایی و عقب افتاده کشور به ویژه زنان روستایی از میان دهقانان بی زمین و کم زمین داده شود. پرداخت ماهیانه ۱۰ هزار تومان بطور مرتب معیاری نسنجیده و نادرست است. زیرا اکثریت قاطع خانواده های محروم جامعه با دستمزدی پایین تر از نرخ واقعی تورم گذران زندگی می کنند و امکان پرداخت مرتب آن را نخواهند داشت.

این وظیفه سازمان بهزیستی و اصولاً دولت است که این مشکل اجتماعی را حل کند. بنابراین بهترین و عملی ترین امکان، تقویت سازمان بهزیستی در مقابل کمیته امداد خمینی است. باید بودجه های کلان از کمیته مزبور که محل چپاول و دزدی و ثروت اندوزی است به سازمان بهزیستی انتقال یابد، و این سازمان کل هزینه بیمه بازنشستگی زنان خانه دار خانواده های زحمتکش را پرداخته و برای آن دسته از زنان خانه دار که به اقشار میانه حال وابسته هستند و امکان مالی پرداخت مبلغی را دارند به اساس میانگین دستمزد سرپرست خانواده مبلغی تعیین نماید که کاملاً عادلانه باشد.

در عین حال باید بیفزایم، که سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور می باید بودجه های لازم را در اختیار سازمان بهزیستی برای طرح بیمه بازنشستگی زنان خانه دار قرار دهد و این جز با تقویت این سازمان در برابر کمیته امداد خمینی امکان پذیر نیست.

قراردادهای موقت باید لغو گردد

{ ضرورت مبارزه برای لغو قراردادهای موقت و

پرداخت به موقع دستمزدها }

به موازات اجرای فرامین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در جمهوری اسلامی که تحت عناوین کلی اصلاح ساختار اقتصادی در جریان است، ما شاهد رشد پدیده بی نگران کننده به نام قراردادهای موقت هستیم که هر روز بخش بزرگتری از نیروهای شاغل در مراکز خدماتی- تولیدی را در بر می گیرد و امنیت شغلی کارگران را به نابودی می کشاند.

گسترش قراردادهای موقت، بخشی از برنامه های کلی اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت فقیه است. این نوع قراردادها در راستای تامین امنیت سرمایه بوده و سود سرمایه داران و انحصارات فراملی را تامین و تضمین می کند.

قراردادهای موقت ابتدا بلافاصله پس از اجرای برنامه تعدیل اقتصادی توسط دولت هاشمی رفسنجانی جنبه فراگیر و به اصطلاح قانونی به خود گرفت. قراردادهای موقت در آن سال ها (گرچه هم اکنون نیز رواج دارد) به قراردادهای ۹۰ روزه شهرت داشت. سرمایه داران و کارفرمایان پس از اجرای سیاست تعدیل نیروی انسانی، مجدداً کارگران اخراجی یا بازخرید شده را با امضاء قراردادهای ۹۰ روزه، که پایین تر از حد نصاب قانون کار بود، مجدداً به کار و می داشتند و این قراردادها مرتباً پس از ۹۰ روز تجدید می شد. بطوری که هم اکنون درصد قابل توجهی از کارگران و حتی کارمندان رده پایین و متوسط که برخی بین ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند، همگی به شکل موقت کار می کنند و هرگاه کارفرمایان تشخیص دهند، آنها اخراج شده و کار خود را از دست می دهند. با اصلاح ساختار اقتصادی که اصلاح و تغییر قانون کار را به همراه داشته از سال ۷۹ به این سو، قراردادهای موقت وسعت بیشتری یافته است و عملاً جامه قانونی به آن پوشانده شده است. در مهر ماه سال گذشته، پیش نویس آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار پس از امضاء برای تصویب نهایی به مراجع تصمیم گیری ارایه شد، بر این پایه، کلیه کارگاه هایی که کمتر از ۱۰ نفر شاغل دارند از شمول قانون کار حذف شده و سرمایه داران می توانند با خواست و تمایل خود متقاضیان را به هر شکل که بپوشان سودمند باشد، به استخدام خود در آورند.

این پیش نویس در کنار طرح نوسازی صنایع و لایحه حمایت از تاسیس مجتمع های بزرگ و متمرکز قالیبافی که در سال ۸۰ به تصویب رسیده بود، راه را برای عقد قراردادهای موقت به مراتب بدتر از گذشته گشود و سبب گردید هزاران تن از زحمتکشان اجباراً تن به امضاء این نوع قراردادها بدهند. آمار نشان می دهد در

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی
ایران!**



ادامه کارگران و زحمتکشان و احیای حقوق ...

بود: «... ما از چهل و چند سال پیش شاهد فعالیت تشکیلات خانه کارگر بودیم و در گذشته تا امروز شاهد فعالیت‌های متأثر از این تشکیلات فراگیر هستیم... اصولاً هر کشوری مقتضیات خاص خودش را دارد...» این سخنان به خوبی اهداف شوم رژیم را برملا می‌سازد. به علاوه نباید از یاد برد، که در جریان انتخابات اخیر شوراهای شهر و روستا، خانه کارگر در کنار جریاناتی مانند حزب اسلامی کار و غیره نقش مخربی را بر عهده داشتند و کاملاً همسو با رفسنجانی و کارگزاران به سود تقویت سرمایه داری دلالی و انگلی حرکت کردند. اصولاً خانه کارگر و تشکل‌های همسو و مشابه آن ابزار سیاسی رژیم پوسیده ولایت فقیه به شمار می‌آیند و نمی‌توان آنها را در چارچوب تعریف شده حقوقی تشکل‌های کارگری که در منشور جهانی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی و نیز مقاله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار به صراحت قید شده، محسوب کرد.

برای افشا چهره واقعی عناصری که ادعای نمایندگی کارگران را دارند و تشکل‌هایی که می‌کوشند خود را مستقل و واقعی جلوه دهند، فزاینده‌ای از اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی بازگو می‌شود. در عین اینکه تعریف سندیکا بر اساس این اعلامیه جهانی درج می‌گردد. سندیکاهای کارگری، مرکز تجمع و تشکل مجموعه کارگران صرف نظر از تفاوت‌های عقیدتی - سیاسی، مذهبی، مسلکی و نژادی و قومی آنان است. همه کارکنان فکری و یدی زیر پوشش سندیکاهای اتحادیه‌ها قرار می‌گیرند و به دفاع از حقوق صنفی - اجتماعی و اقتصادی خود می‌پردازند. سازمان‌های سندیکایی به وسیع‌ترین توده‌های زحمتکشان تکیه دارد و عام‌ترین مسایل دفاع از حقوق کارکنان (فکری - یدی) را مطرح و دور آن مبارزه می‌کند. جنبش سندیکایی کارگران، اشکال سازمانی ویژه خود را داراست. این جنبش بر تشکل سندیکاهای پایه در کارگاه‌ها (اعم از کارخانه، اداره و موسسات دولتی و خصوصی) تشکل‌های حرفه‌ای و رشته‌ای و سازمان سراسری سندیکایی استوار است. چنین سازماندهی، همه شاغلان کارمزدی (کارگر، کارمند، کارخانه‌ای، اداری، آموزشی و خدماتی...) را در بر می‌گیرد. در سندیکاهای تکیه اساسی بر دموکراسی و شرکت وسیع توده‌های کارگر در تصمیم‌گیری است؛ گرچه اصل تشکیلاتی سازمان‌های صنفی - سندیکایی نیز بر مرکزیت - دموکراتیک استوار است. در تشکل‌های مستقل صنفی - سندیکاهای پنهان کاری وجود ندارد، زیرا این تشکل‌ها در شرایط عادی و معمول، همواره علنی، آشکار و غیر مخفی هستند.

جنبش سندیکایی کارگران و زحمتکشان، جنبشی مستقل و قائم با لذات است و قوانین رشد خاص خود را دارد. هرگونه دخالت دولتی و ارگان‌های دولتی با ماهیت مستقل سندیکا در مغایرت قرار دارد.

درست بر پایه این تعریف علمی است، که حقوق

سندیکایی توضیح داده می‌شود؛ در اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی از جمله می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

* سازمان‌های سندیکایی حق دارند، بر طبق اساسنامه خود عضو پذیرفته و حق عضویت و یا کمک مالی دریافت کنند. هیچ کارگری را نمی‌توان از عضویت در سندیکا منع کرده و یا مورد پیگرد قرار داد؛

* سازمان‌های سندیکایی حق دارند، اعتصاب‌ها را سازماندهی کنند و یا از کلیه اقداماتی که به منظور تشکیل اعتصاب به عمل می‌آید پشتیبانی کنند. به دلیل این قبیل اقدامات و فعالیتها، در هیچ موردی نمی‌توان کسی را مورد بازخواست و تعقیب قرار داد؛

* سازمان‌های سندیکایی حق دارند، بدون کسب اجازه از مقامات دولتی کنفرانس، همایش، میتینگ و تظاهرات برگزار کنند؛

* سازمان‌های سندیکایی حق دارند به منظور دفاع از منافع و حقوق زحمتکشان، درباره اقدامات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی دولت اظهار نظر کنند و در مورد آن مسایلی که با منافع و حقوق زحمتکشان ارتباط دارد و یا آنها را به خطر می‌اندازد مذاکره و اقدام کنند؛

* سندیکاهای حق دارند، در کلیه موسساتی، که به مسایل مربوط به زحمتکشان می‌پردازند حضور داشته و بیانگر منافع فردی و جمعی زحمتکشان باشند و برای دفاع از منافع آنان به اقدامات قانونی دست بزنند؛

* سندیکاهای حق دارند، که درباره دستمزدها و شرایط کار، با کارفرمایان و از آن جمله، با مقامات دولتی مذاکره کنند و با آنها در مورد یک حرفه یا جمعی از حرفه‌ها و همچنین به مقیاس کشوری پیمان جمعی منعقد سازند؛

* سندیکاهای حق دارند، که در اداره واقعی امور بیمه‌های اجتماعی و سازمان‌های آموزشی حرفه‌ای و دیگر موسسات مربوط به مسایل اجتماعی زحمتکشان شرکت داشته باشند؛

* سندیکاهای حق دارند به منظور تکمیل، تطبیق و یا بهبود قراردادهای جمعی کشوری در محل کار با کارفرمایان پیمان جمعی امضاء کنند؛

* زحمتکشان حق دارند به مطبوعاتی که مایلند دسترسی پیدا کنند، مطبوعات و نشریات سندیکایی و کارگری را پخش کنند و به تبلیغات سندیکایی بپردازند و بدون دخالت مقامات دولتی و کارفرمایان، آموزش سندیکایی دلخواه خود را فرا بگیرند؛

* سندیکاهای حق دارند با تصمیمات یک جانبه‌ای که بدون مشورت قبلی با سندیکاهای برای تغییر شرایط کار از جانب کارفرما اتخاذ می‌شود مخالفت کنند؛

به این ترتیب و با توجه به آنچه مورد اشاره قرار گرفت، خانه کارگر، و دستگاه‌هایی نظیر آن، نماینده تشکل‌های واقعی کارگران نیستند و از این رو ایجاد سندیکاهای واقعی، که بر پایه صحیح طبقاتی سازمان دهی شده باشد، و احیای حقوق سندیکایی، از اولویت‌های انکارناپذیر مبارزه جنبش کارگری ایران است.

جنگ و منافع کارگران و زحمتکشان

تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و انگلستان به کشور عراق، و سقوط دیکتاتوری ضد مردمی صدام حسین در بغداد، تحولی فوق العاده مهم و پُر اهمیت در منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس قلمداد می شود، و مجموعه حوادث میهن ما را نیز به شدت تحت تاثیر خود قرار می دهد.

جنگ نه تنها به مردم و به ویژه زحمتکشان عراق خسارات جبران ناپذیر و صدمات انسانی و اقتصادی ژرفی وارد آورده و پیامدهای آن تا سالیان ادامه خواهد داشت، بلکه مجموعه اقتصاد منطقه از جمله ایران را دستخوش گرفتاری های جدی ساخته است. از این رو، کارگران و زحمتکشان ایران نیز با صدمه و فشار گسترده ای روبرو شده اند. وزیر اقتصاد رژیم ولایت فقیه، طهماسب مظاهری در خصوص اثرات کوتاه مدت جنگ در اواسط فروردین ماه امسال (۸۲) از جمله گفته بود: «... دولت برای کاهش اثرات این جنگ بر اقتصاد کشور در آینده و گذر از سناریوهای مختلف، برنامه هایی را تدارک و تنظیم کرده است ... به لحاظ اثرات کلی این جنگ بر اقتصاد دنیا هزینه بیمه کشتیهای ورودی به خلیج فارس، فشار جنگ را بر اقتصاد ما تحمیل خواهد کرد، این در حالیست که نگرانی های پیش آمده در منطقه سبب کاهش رشد اقتصادی کشور خواهد شد ...» بی شک یکی از اثرات لشکر کشی آمریکا و انگلستان افزایش حجم نقدینگی و افزایش نرخ تورم در ایران است. هر دوی این پیامدها مستقیماً و بطور مشخص بر زندگی و شغل کارگران و زحمتکشان اثر می گذارد. قدرت خرید آنها را کاهش و امنیت شغلی آنان را کاملاً متزلزل می سازد. از جنگ، فقط و فقط سرمایه داری دلال ایران و قشرهای انگلی جامعه سود می برند. تجار بزرگ بازار از وضعیت پیش آمده بهره گیری کرده و به قیمت نابودی هر چه بیشتر تولید ملی، با ایجاد کمبودهای مصنوعی و احتکار، سودهای هنگفت به جیب می زنند. ورود سیل آسای کالاهای خارجی حتی در شرایط افزایش نرخ بیمه جنگی در خلیج فارس، خود گواه این واقعیت است.

مدیر بیمه های باربری ایران در اواخر فروردین ماه در گفتگویی با خبرگزاری ایرنا با صراحت یادآور شد: در مناطق امن مانند بندر عباس و اسکله شهید رجایی، تغییری در نرخ بیمه ایجاد نشده و در نتیجه تمایل به تخلیه کالا در این منطقه زیاد شده است ... به علاوه اثر تخریبی جنگ بر اقتصاد منطقه و ایران، واردکنندگان کالاها یعنی تجار و سرمایه داران به همراه تولیدکنندگان اروپایی و

آمریکایی با افزایش قیمت کالاهای خود سود برده و در مقابل مصرف کنندگان و از آن جمله زحمتکشان با فشار مالی جدی تر رو به رو می شوند. نماینده آبادان در مجلس شورای اسلامی طی مصاحبه ای در این خصوص گفته بود: جنگ باعث شده قیمت کالاهای وارداتی بالا رود و در مجموع تاثیر آن بسیار منفی است. در بلند مدت نیز، حضور امپریالیسم در عراق به ویژه صنعت نفت و گاز آن و تولید نفت در کشورهای عضو اوپک که ایران نیز عضو آن است را با دشواری های بزرگ رو به رو خواهد کرد و در این میان به برآورد کارشناسان درصد بزرگی از زحمتکشان این کشورها با توجه به کاهش قیمت نفت و نوسان شدید آن در بازارهای جهانی، با مسایلی چون بیکاری، سطح دستمزد پایین تر و کاهش سطح زندگی مواجه خواهند شد.

حضور انحصارات فراملی در نفت عراق، شمار بزرگی از نفتگران و دیگر زحمتکشان عراقی را با استثمار وحشیانه تر، عدم امنیت شغلی و دستمزدهای پایین رو به رو می سازد و این امر در ایران نیز بطور جدی تاثیر می کند. از این رو طبقه کارگر ایران و دیگر زحمتکشان میهن ما با جنگ و حضور آمریکا و انگلستان در عراق مخالفند. منافع عینی آنان در پیوند با صلح قرار دارد. کارگران ایران در این شرایط حساس و خطیر ضمن دفاع از منافع خود، همبستگی و برادری خود را با طبقه کارگر و زحمتکشان عراق به ویژه نفتگران عراقی اعلام می کند و خود را در مبارزه آنان شریک و سهیم می داند.

طرح بیمه بازنشستگی زنان خانه دار

سازمان بهزیستی کشور اعلام کرده است، طرح بیمه بازنشستگی زنان خانه دار در ۳۲ شهر کشور به مرحله اجرا در آمده است.

این طرح که به طور آزمایشی اجرا می گردد، مدت آن یک سال قید گردیده و شامل مزایایی است که زنان خانه دار با پرداخت ماهی ۱۰ هزار تومان پس از ۲۰ سال همانند زنان شاغل از خدمات بازنشستگی بهره مند خواهند شد. همچنین مسئولان سازمان بهزیستی خاطر نشان ساخته اند، الویت در این طرح با زنان سرپرست خانوار است. این طرح، ویژگی های جامعه ما و منافع زنان خانه دار را در نظر نگرفته و بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد. زیرا اگر اولویت با زنان سرپرست خانواده است، چگونه این زنان محروم و زحمتکش می توانند کل مبلغ و یا حتی نیمی از آن را پرداخت کنند تا آنان پس از ۲۰ سال از مزایای بازنشستگی برخوردار شوند. سازمان بهزیستی در سال پیش آمارهای از وضعیت زنان سرپرست خانوار انتشار داد، که اگر با طرح کنونی مقایسه شود، ابهامات طرح مذکور را برملا می سازد. طبق آمار ۲۹ درصد افراد زیر خط فقر کشور را زنان سرپرست خانه دار تشکیل می دهند، حدود ۷۰ درصد این زنان روستایی هستند و اغلب محروم از سواد، بیش از ۳۰ درصد این زنان هیچ فرد شاغلی در خانواده ندارند و تحت هیچ بیمه ای نیز نیستند. از سوی دیگر همین سازمان بهزیستی طی گزارشی تاکید کرده بود، حدود ۱ میلیون و ۳۷ هزار خانوار ایرانی معادل ۵/۸ درصد از کل خانوارهای کشور توسط زنان سرپرستی می شوند. علت اصلی سرپرستی توسط زنان به ترتیب عبارت است از درگذشت همسر، طلاق، اعتیاد، زندانی شدن مرد، از کار افتادگی و ... طی این گزارش تصریح شده است، ۵۵ درصد زنان سرپرست خانه دار شهری و ۷۰ درصد زنان سرپرست خانوار روستایی بیسواد مطلق هستند.

واقعیت اینست که با توجه به قوانین قرون وسطایی و ضد انسانی رژیم ولایت فقیه زنان سرپرست خانه دار، در عرصه دستیابی به شغل و تامین هزینه های زندگی با موانع متعدد و بزرگی مواجه می شوند و از موقعیت برابر با مردها برخوردار نیستند.

بنابراین طرح بیمه بازنشستگی زنان خانه دار در این زمینه فاقد مبنا و معیار صحیح است. بیمه بازنشستگی زنان خانه دار، امری است مهم و بسیار جدی که با منافع زنان

کارزار بین المللی در دفاع از پنج قهرمان کوبایی

* ایالات متحده در حالی که زیر شعار دروغین «مبارزه با تروریسم» به کشورهای دیگر حمله می کند، فعالان ضد تروریسم کوبایی را در شرایط غیر انسانی به زندان انداخته است.

* در رابطه با جریان دستگیری، بازداشت و محاکمه پنج میهن دوست کوبایی حقوق انسانی آنان، قوانین و مقررات آمریکا و کنوانسیون های جهانی به صورت آشکار نقض شده است.

در هفته های اخیر نیروهای سیاسی و سازمان های جوانان در کشورهای مختلف جهان ابتکاراتی در دفاع از پنج قهرمان کوبایی که به اتهام های واهی در ایالات متحده در زندان بسر می برند، سازمان داده اند. از جمله چنین ابتکاراتی برگزاری تظاهرات اعتراضی در مقابل سفارت های آمریکا و انتشار صدها اعلامیه و بیانیه و برگزاری کنفرانس ها و جلسات افشاگرانه در این رابطه در کشورهای مختلف از آرژانتین گرفته تا روسیه و از یونان تا اوروگوئه و کانادا می باشد. اعضاء و هواداران حزب توده ایران در اقصی نقاط جهان در این فعالیت ها شرکت کرده و از مبارزان سرسخت آزادی این پنج زندانی سیاسی که جرمی جز وطن پرستی و مقابله با تروریسم ندارند، می باشند. در جریان بحث ها و تصمیم گیری های سمینار سازمان های جوانان کمونیست اروپا در آتن که در روزهای ۱۴ الی ۱۶ آوریل، برگزار شد، در کنار مساله تجاوز نیروهای امپریالیستی به عراق، مساله سازماندهی موفقیت آمیز کارزار دفاعی از پنج میهن دوست کوبایی از موضوعات اصلی بود. در شرایطی که پنجمین سالگرد بازداشت غیر قانونی و سرکوبگرانه این پنج میهن دوست کوبایی در راه است، و در حمایت از کارزار جهانی دفاع از آنان، بازنگاهی به عملکرد سرکوبگرانه و غیردموکراتیک سیستم امنیتی ایالات متحده آمریکا در رابطه با آنان داریم.

در بامداد روز ۲ شهریور ۱۳۷۷ (۱۲ سپتامبر ۱۹۹۸)، ماموران سازمان «اف.بی.آی»، در شرایطی سؤال برانگیز پنج جوان کوبایی مقیم میامی را به جرم جاسوسی برای کوبا و برضد آمریکا دستگیر کردند. از همان ابتدا این کاملاً واضح بود که این جریان بخشی از یک عملیات سرکوبگرانه طرح شده از سوی ارگان های امنیتی کشور با هدف بهانه جویی برای اتخاذ سیاست های ایدئولوژیکی برضد کوبا و خشنود کردن محافل جنایتکار و مافیایی می است که از سال ۱۹۵۹ جنوب فلوریدا را به پایگاه عمده ای برای جنگی ضد انقلابی برضد کوبا تبدیل کرده اند. گروه های ضد انقلابی مقیم میامی و سیاستمداران و مقامات رسمی که روابط نزدیکی با آن ها دارند، فوراً یک کارزار جون آمیز همه جانبه و پر سر و صدا به منظور تحریک و تخریب افکار عمومی نسبت به این پنج زندانی کوبایی آغاز کردند. در جنوب فلوریدا، منطقه ای که تقریباً تمامی رسانه های خبری از روزنامه گرفته تا تلویزیون و رادیو یا توسط نیروهای ضد کوبایی کنترل می شوند و یا تحت تهدید آن ها سیاست های تحریریه خود را تنظیم می کنند، در طول پنج سال گذشته روزی نبوده است که مقاله و یا اطلاعیه جدیدی شامل بیانیه های مقامات رسمی در مذمت و فحاشی به این پنج اسیر کوبایی و تصویر کردن آنان به مثابه دشمنان خطرناک جامعه منتشر نشده باشد.

مقامات قضایی آمریکا و متحدان آنان در محافل ضدانقلابی کوبایی میامی کوشش داشته اند که دلایل واقعی و غیرعادلانه زندانی کردن پنج میهن دوست کوبایی از افکار عمومی مخفی نگاه داشته شود. آن ها و رسانه های تحت کنترل شان کلمه بی در مورد زندگی منزله و شرافتمندانه این قربانیان «عدالت آمریکایی»

چه در کوبا و چه در ایالات متحده به عنوان دانشجوی، کارگر، پدر و شهروند نمی گویند. هیچ خبری در مورد از خودگذشتگی های آنان برای حمایت و حفاظت از میهن شان و خلق کوبا منتشر نمی شود و گزارشی از آنچه پس از دستگیری آنان از ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۸ تاکنون بر سر آنان آمده است، شرایط غیر قابل تصور خشن و غیرانسانی زندان ها و بازداشتگاه هایی که در آن مورد تضییقات قرار داشته اند، منتشر نشده است. جرارد هرناندز، رامون لابانیو، فرناندز گونزالس، آنتونیو گوئرو و رنه گونزالس قربانیان یک بی عدالتی زشت و برخورد بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز که در تناقض آشکار با حقوق انسانی آنان است. در ابتدای دستگیری خود آنان تا روز ۳ فوریه ۲۰۰۰ یعنی هفده ماه متوالی در شرایط جهنمی و غیرقابل تحمل سلول های انفرادی، بدون هیچ تماسی با همدیگر و یا هر زندانی دیگری بودند. این امر در نقض آشکار قوانین حاکم بر زندان ها و بازداشتگاه های ایالات متحده است که مقرر می دارد که استفاده از زندان انفرادی فقط به عنوان تنبیهی برای جرم هایی که در زندان به وقوع می پیوندد، مجاز است و در جدی ترین شرایط نظیر قتل و یا مجروح کردن دیگر زندانیان، مدت آن نمی باید از شصت روز تجاوز کند. مساله اینست که میهن دوستان اسیر کوبایی نه در خارج از زندان و نه پس از بازداشت هیچ کار خلافی را مرتکب نشده بودند. از تبعات این دوره طولانی این بود که آن ها از حقوق قانونی خود مبنی بر ارتباط ضروری و دسترسی به وکلای مدافع خود و شرایط لازم برای تهیه و تنظیم دفاعیه های خود محروم بودند.

همانگونه که گفته شد جو سیاسی میامی تحت کنترل نیروهای سیاسی طرفدار «باتیستا» دیکتاتور سرنگون شده کوبا می باشد. رسانه های گروهی عملاً به عنوان اهرم فشار آن ها عمل می کنند. روزنامه ها با انتشار داستان ها و گزارش های عجیب و غریب و غیر مستند عملاً به مثابه اهرم فشار آن ها عمل می کنند. در چنین جوی امکان اینکه هیچ هیئت منصفه ای بتواند به بررسی بی طرفانه پرونده و اتهامات و دفاعیات پردازد، غیرممکن است. یکی از افرادی که برای شرکت در هیئت منصفه دعوت شده بود گت: «آری، اگر نتیجه محاکمه به نفع گروه های کوبایی نباشد، من نگران امنیت و سلامتی خودم هستم». وکلای مدافع پنج کوبایی اسیر قبل از شروع محاکمه این حقیقت را که در شرایط موجود میامی امکان بر گماری هیئت منصفه ای بیطرف و رعایت عدالت غیرممکن است را به اطلاع قاضی پرونده رسانده

ادامه کارزار بین المللی در دفاع از پنج ...

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته

مرکزی حزب کمونیست عراق

بغداد، عراق

رفقای گرامی

خبر مسرت بخش افتتاح دفاتر رسمی حزب در بغداد و دیگر شهرهای اصلی عراق، و پخش وسیع و آزادانه اولین شماره طریق الشعب (ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق) در بین مردم عراق، پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری، در ساعات گذشته واصل شد. همزمان شما در حزب توده ایران اقدام انقلابی بموقع و هدفمند حزب برادر را در جهت گسترش تشکیلاتی و سیاسی خود که متوجه هدایت زحمتکشان و مردم زجر دیده کشور در شرایط بغرنج کنونی حاکم بر عراق است، تحسین کرده و برای شما آرزوی موفقیت دارند.

رفقای گرامی

ما در ماه های اخیر از نزدیک حوادث و تحولات عراق و بحران بین المللی در رابطه با رژیم دیکتاتوری و مواضع و فعالیت های خستگی ناپذیر شما را در این رابطه دنبال کرده و در صفحات نامه مردم، ارگان مرکزی حزب مان، انعکاس داده ایم. ما ضمن تأیید صحت و اصولیت کارزار های حزب برادر، حزب کمونیست عراق، در مقابله با جنگ و تجاوز خارجی، در دفاع از صلح و آزادی و در جهت استقرار دموکراسی و نظامی عدل گستر و انسانی بر ویرانه های باقی مانده از ستم دیکتاتوری رژیم صدام و جنگ تجاوز گرانه، همبستگی مبارزه جویانه خود با مبارزات مردم زحمتکش عراق را اعلام می کنیم. حزب توده ایران در حالیکه تحولات سیاسی عراق و کارزار نیروهای میهنی عراق برای خروج نیروهای اشغالگر و ایجاد یک دولت دموکراتیک گذار تحت نظارت سازمان ملل متحد را از نزدیک دنبال می کند، آمادگی خود را برای نمایش همبستگی عملی با مبارزات برحق شما اعلام می دارد. پیروزی نیروهای میهن پرست و ترقی خواه در ساختمان یک عراق مستقل، دموکراتیک و نیرومند اهمیت بسزایی برای جنبش آزادیخواهانه و نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیست در منطقه خاورمیانه و از جمله در میهن ما ایران خواهد داشت که در دهه های اخیر هدف تجاوزگری نظامی رژیم بعثی قرار داشته است. کمیته مرکزی حزب توده ایران درودهای گرم رفیقانه خود را در این لحظات سرنوشت ساز و تعیین کننده در تاریخ عراق تقدیم حزب برادر، حزب کمونیست عراق، می کند و برای شما آرزوی پیروزی دارد. ما به شما اطمینان می دهیم که در این مبارزه سرنوشت ساز در کنار شما خواهیم بود.

برقرار باد همبستگی انترناسیونالیستی

پیروز باد سوسیالیسم

پاینده باد روابط برادرانه میان حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳۱ فروردین ماه ۱۳۸۲ (۲۰ آوریل ۲۰۰۳)

بودند. اما تمامی درخواست های وکلای مدافع برای انتقال محکمه به یک شهر دیگر از سوی قاضی رد شد. در تمامی مراحل محاکمه بوضوح آشکار بود که شیوه های مرسوم قضایی و مقررات دادرسی بطور پیگیرانه نقض می گردید. وکلای مدافع قبل از شروع محاکمه دسترسی به «شواهد»ی که قرار بود برضد موکلانشان ارائه بشود، نداشتند. قاضی دادگاه همچنین برخی از شواهد مورد مراجعه وکلای مدافع از قبیل مدارک رسمی که بطور پایه یی بی اساس بودن اتهامات را روشن می کرد، مردود شمرد. برخی از شاهدان دادگاه بطور علنی و در صحن دادگاه و در مقابل قاضی و همه حضار توسط دادستان مورد تهدید قرار گرفتند که اگر برخی از اطلاعات را افشاء کنند، خود در معرض تعقیب قرار خواهند گرفت!! رسانه های گروهی میامی در هماهنگی آشکار با گروه های تروریستی کوبایی مقیم آمریکا به منظور تحت فشار گذاردن هیئت منصفه و قاضی هر روزه در مقابل ساختمان دادگاه تظاهرات براه می انداختند.

در خاتمه پس از پنج ماه محاکمه و در دشوارترین و خصمانه ترین شرایط قابل تصور، در حالی که بیگناهی کامل هر پنج متهم در رابطه با اتهامات اصلی از قبیل جاسوسی، جمع آوری اطلاعات در مورد مسائل امنیتی، امور نظامی و دفاعی و هرگونه منافع ایالات متحده اثبات شده بود، قاضی با چشم پوشیدن بر تمامی شواهد و در میان ناباوری وکلای مدافع احکام حبس ابد برای سه نفر و حبس طویل المدت برای دو متهم دیگر صادر کرد. واشنگتن برای رسیدن به حکم مورد نظر خود در تمامی مراحل بازداشت، بازجویی و محاکمه بطور واضح استانداردها و مقررات مورد قبول بین المللی را زیرپا گذارد.

دولت آمریکا از قبول اینکه زندانیان کوبایی زندانیان سیاسی محسوب می شوند، ابا دارد و لذا از تصدیق حقوق ویژه زندانیان سیاسی سرباز می زند. اما پنج کوبایی قهرمان به مبارزه دشوار خود در دفاع از حقوق فردی خود و حق حاکمیت خلق کوبا ادامه می دهند. حزب توده ایران در کنار همه نیروهای ترقی خواه جهان برای احقاق حق این میهن دوستان کوبایی و آزادی آنان از زندان مبارزه می کند. ما همبستگی خود را با پنج میهن دوست انقلابی کوبایی اعلام می کنیم.

دسیسه های نماینده خامنه ای برای ضربه زدن به جنبش دانشجویی

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، عبدالله مومنی، از مسئولین دفتر تحکیم وحدت در مصاحبه ای ضمن اشاره به کار شکنی نماینده خامنه ای در امر برگزاری نشست سالانه این دفتر از جمله اشاره کرد که:

«در روزهای اخیر در حالی که دفتر تحکیم وحدت و اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان سراسر کشور در تدارک برگزاری نشست ما قبل سالانه خود و به همراه آن برگزاری سمیناری در خصوص ((تشکیل جبهه فراگیر دموکراسی خواهی)) در دانشگاه شهید عباسپور بودند و هماهنگی های لازم در این خصوص نیز با ریاست محترم دانشگاه شهید عباسپور انجام شده بود، متأسفانه به علت کارشکنی مسئول دفتر نهاد رهبری در دانشگاه مذکور به بهانه های کاملاً واهی، ظاهراً برگزاری نشست با مشکلی جدی مواجه شده است. (علیرغم صدور مجوز توسط هیأت نظارت بر فعالیت تشکل های اسلامی دانشگاهیان برای برگزاری نشست در تاریخ های ۱۰-۱۱-۱۲ اردیبهشت ماه مجوز بدلیل نامه نهاد رهبری دانشگاه که آنرا به مصلحت ندانسته بود، لغو شد). البته قصد سنگ اندازی ها و کارشکنی های اربابان قدرت نه تازگی داشته و نه از ایشان انتظار پایان می توان داشت و سال هاست که به طور مستقیم و غیر مستقیم، گاه به لطایف الحیل و تفرقه و نفوذ و گاه و گاه علناً و آشکارا، کمر به از هم پاشیدن مجموعه دفتر تحکیم و انحلال آن بسته اند، یک روز حمله اشان را به کوی دانشگاه می فرستند تا دانشجویان را ضرب و شتم کنند و روز دیگر خرم آباد را مناسب برای نواختن تازیانه اشان به دستان پر عقده مزدورانشان به دانشجویان و دیگر روز فرمان بر هم زدن اجتماعات، تریبون ها و مراسم اعلام شده از سوی انجمن های اسلامی را به اعمالشان در دانشگاه ها صادر می کنند و چون از اینهمه نیسته بلکه عرض خود را بیشتر بر باد رفته می یابند، خط نفوذ و نفاق را دنبال کردند و با یک عناصری ضعیف و خود فروخته، برای آتشفشان دفتر تحکیم وحدت هلهله می دادند و با پشتیبانی از نیروهای وابسته شان، در صدد اضمحلال اعتبار بدست آمده با خون و دل دانشجویان برای دفتر تحکیم برآمدند و با علم کردن مجموعه یی جعلی دروغین متشکل از ۵ یا ۶ نفر و دمیدن در هویت پوشالی شان، به خیال خود از تازیانه انتقاد و فریاد نظم به جنبش دانشجویی خود را آسوده تصور می کردند در حالی که تا به حال چندین بار این حربه به کار برده اند و دیده اند که طرفی بسته اند و بارها مجموعه های دروغین به اسم هایی مختلف و گاه متشابه با دفتر تحکیم وحدت و یا انجمن های اسلامی دانشجویان، با پشتوانه ای کمتر از ۱۰ در صد دانشجویان و هویتی کوچکتر ۵ یا ۶ نفر در دانشگاه ها و در عوض حمایت بی شائبه قدرت، ساختند و تراشیدند و هر سال برایشان سمینارها برگزار کردند و نشست ها ترتیب دادند و پیام ها فرستادند و دیدارها گذاشتند و تصاویرشان را چندین و چند بار در صدا و سیماشان نشان دادند تا بلکه هویت دفتر تحکیم وحدت و جنبش دانشجویی را در ذهن بیدار دانشجویان به

فراموشی بسپارند، اما هر بار نیز طرفی جز جیف و میل اموال و منابع بیت المال نیافتند...» مومنی سپس با اشاره به نقش مخرب و ضد مردمی نهادهای وابسته به ولایت فقیه می افزاید: «و در طول تمامی این سال ها و در تمامی این تشکل سازی های جعلی و فرمایشی و کارشکنی های سیاسی، دفتر نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها نقش اصلی و کلیدی را بعنوان نمایندگان اربابان قدرت ایفا می نموده و در خفا و آشکار بر این امر همت می گماشتن است. و این بار نیز به دو بهانه بر لغو نشست مجموعه دفتر تحکیم وحدت خودسرانه حکم رانده است یکی اینکه: چون مجموعه دفتر تحکیم وحدت در نشست قبلی خود طی نامه ای فریاد تنظیم خواهی را به نمایندگان کمیسیون حقوقی بشر سازمان ملل اعلام کرده و بدینگونه مسئولین نظام را بی اعتبار ساخته است، لذا به تلافی ای کودکانه نشست سالانه اش نباید برگزار شود. ثانیاً دومین بهانه اینکه دانشجویان دانشگاه شهید عباسپور از برگزاری این نشست در سه روز تعطیل دانشگاه ها مخالفت ورزیده اند. که البته جواب این بهانه دوم را خود دانشجویان محترم دانشگاه شهید عباسپور تا کنون با امضای طوماری مبنی بر درخواست برگزاری این نشست و ((سمینار جنبش دموکراسی خواهی)) در کنار آن داده و خواهند داد. اما بهانه اول هم چیز عجیبی از سوی دفتر نهاد رهبری نیست که البته مجموعه اعضای دفتر تحکیم وحدت وقتی آگاهانه و با قدرت (و نه بر خلاف تصور برخی از روی ضعف) ضمن شناخت رسالت اصلی و هویت واقعی خود از ورود و به بازی گرفته شدن در دایره قدرت اجتناب ورزیدند و شجاعانه استراتژی نقد بی چون و چرای قدرت را برگزیدند و زمانی که به همین دلیل، نامه به خبرنگاران رهبری نگاشتند و شجاعانه نقدهای جدی و در تعارفات مانده این سال ها نسبت به عملکرد رهبری را ابراز داشتند و نیز آنگاه که ناامید از ستاندن دادشان در دستگاه قضایی از بیداد و ظلم حاکم در کشور از حق قانونی و مسلم خود استفاده کرده و فریاد تظلم و شکوه و شکایت از ظلم و جور و ستم و بیداد و بی عدالتی که در قبال چنین حق خواهی های دلبرانه و نقادی های شجاعانه امری دور از انتظار نیست و بنابراین این چنین ممانعت ها و بی مآوایی ها که حدیث بی پناهی و بی مآوایی و مظلومیت جنبش دانشجویی سال هاست که بر پیکرش متحمل است و مقاومتش در برابر اینها افزونتر. چرا که هویت و شخصیت جنبش دانشجویی و دفتر تحکیم وحدت نه با برهم زدن و یورش به نشستمان در خرم آباد فراموش شده و نه با ستاندن ساختمان مرکزی دفتر تحکیم (در خیابان رجب بیگی) با همراهی دست آموختگان نفاق افکنشان، از دست رفت و نه قطعاً با ممانعت از برگزاری نشستمان در فلان دانشگاه خواهد گردید. اما جای گله و تعجب و شکوه از ریاست دانشگاه شهید عباسپور و مسئولان محترم وزارت علوم که چگونه برگزاری نشستی که برگزاری آن مورد موافقت ایشان و هیأت نظارت دانشگاه قرار گرفته است، به خاطر مخالفت یک فرد از اعضای هیأت نظارت و نماینده نهاد رهبری در دانشگاه شهید عباسپور حکم لغو این نشست و سمینار و ابطال آن صادر می گردد و این موضوع را برای مسئولین دانشگاه و وزارت علوم جز ضعف و بی شهامتی و ناتوانی و بی مسئولیتی و جز مصالحه بر سر حق دانشجو و جنبش دانشجویی برای فرار از مسئولیت به چه تعبیر کنیم. لذا ضمن محکوم کردن اقدام نماینده نهاد رهبری در دانشگاه شهید عباسپور از مسئولین امر در وزارت علوم تقاضا داریم که در دفاع از حقوق دانشجویی و جنبش دانشجویی کوشا تر و در مقابله با خواست ظالمانه ارباب قدرت دلیرتر باشند و نسبت به انجام هماهنگی های لازم در خصوص برگزاری نشست و سمینار مذکور اقدامات مقتضی را مبذول فرمائید تا نمایندگان بزرگترین تشکل دانشجویی از حق طبیعی خودشان مبنی بر برگزاری نشستی با حضور نمایندگان بیش از ۵۰ دانشگاه کشور برخوردار باشند...»

تلاش وابستگان رژیم ولایت فقیه و ارگان های سرکوب گر آن برای ضربه زدن به جنبش دانشجویی کشور امر تازه یی نیست. یورش خونین گزندگان ولی فقیه به دانشگاه های کشور در ۱۸ تیرماه نشان داد که جنبش دانشجویی و مبارزات آزادی خواهانه آن خطری جدی برای مرتجعان حاکم محسوب می شود و از این رو ارتجاع حاکم تمام های تلاش های خود را به کار بسته تا جنبش دانشجویی کشور را به طرق گوناگون سرکوب و یا از درون منفجر نماید. مواضع روشن بینانه و اصولی جنبش دانشجویی و تأکید آن بر ضرورت وحدت نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور برای تشکیل جبهه واحدی بر ضد دیکتاتوری و در راه تحقق دموکراسی گامی مثبت و قابل تقدیر است که باید برای تحقق آن در سطح جامعه و در بین همه گردان های اجتماعی و نیروهای مترقی و آزادی خواه تلاش کرد.



میراث دیکناتوری بر همه چیز سنگینی می کند. آمریکائیه‌ها یک لیست ۵۵ نفره از شخصیت های نظام گذشته را که باید دستگیر شوند ارائه داده اند. اما افراد فراوان دیگری هستند که در سرکوب ها دخالت داشتند، این ها عبارتند از فعالین حزب بعث، ماموران پلیس مخفی که هنوز هم فعال و عاملان

اصلی چپاول گری اخیرند. ما اطلاعاتی از منابع بسیار موثق به دست آوردیم که نشان می دهد دو روز قبل از سقوط صدام، توسط رئیس سرویس های مخفی (سازمان امنیت) اوامری مبنی بر سازماندهی خرابی، چپاولگری و هرج و مرج صادر شد. درست است که شهروندان ساده در این دزدی ها و این ویرانگری ها شرکت داشتند، اما آن ها مستقیماً مسئول نیستند. دوازده سال تحریم، از لحاظ اقتصادی همگان را به فقر کشاند. چند ده سال رژیم استبدادی خلیفات و روحیات را لطمه زده، روابط اجتماعی را به فساد کشانده و ارزش ها را در هم شکسته است. زیربنای کشور باید دوباره ساخته شود و هم چنین طرز تفکر ها هم. لازم است کلیه واکنش های ناشی از ترس از بین برده شود. اندیشیدن را باید آموخت. بنیان نهادن آینده و تصمیم گیری توسط خودمان را نیز باید آموخت. عامل دیگر روشی است که آمریکائی ها بکار بردند که برای جلوگیری از این بی نظمی هیچ کاری نکردند به این بهانه که آن ها به اینجا نیامدند که کار پلیس را انجام بدهند. آن ها گذاشتند که موزه باستان شناسی بغداد ویران شود. به توبه ریختن همه چیز کار گروه هائی بود که به خوبی سازمان یافته بودند. چند روز بعد پانصد قطعه از آثار بسرقت رفته این موزه در فرانسه پیدا شد.

سؤال: این امر را که اپوزیسیون باید این قدر پراکنده باشد که در چنین دوره سختی قادر نیست و نمی تواند به توافق برسد را چگونه توجیه می کنید.

جواب: کنفرانس هایی از اپوزیسیون تشکیل شد، مانند کنفرانس لندن و یا کنفرانس سلیمانیه در کردستان (در دو قدمی محلی که ما اکنون هستیم). این کنفرانس ها تحت حمایت آمریکائی ها سازماندهی شده بودند. واشنگتن بسیاری از سازمان های سیاسی از جمله حزب کمونیست عراق را از این گردهمایی ها کنار گذاشته بود. بنابراین باید روند ایجاد تحولات را از صفر شروع کرد. بدین منظور است که ما همه احزاب عراقی را بدون استثنا، برای دستیابی به یک توافق جهت استقرار یک دولت انتقالی که بکوشد به کشور ثبات بخشد و بقایای دیکتاتوری را از بین ببرد، به طور جمعی و با شیوه های دموکراتیک، فرا می خوانیم و این جریان باید زیر نظارت سازمان ملل انجام پذیرد. واشنگتن برای ادامه حضور خود در عراق موانعی بر سر راه چنین اتحادی از اپوزیسیون قرار می دهد. این روش خطرات بزرگی دربر دارد. اگر اوضاع کشور توسط یک حکومت ملی ثبات پیدا نکند، تشویش و انتظار مردم ادامه خواهد یافت و خطر بالا گرفتن تعصبات مذهبی و قومی، در صورتی که حضور آمریکائی ها ادامه یابد، منتفی نخواهد بود.

به اشغال عراق توسط آمریکایی ها باید پایان داده شود!
مصاحبه با رفیق حمید موسی دبیر کل حزب کمونیست عراق
*** حزب کمونیست عراق دفتر خود را در بغداد گشود و مردم را به تشکیل یک دولت ملی انتقالی زیر نظارت سازمان ملل متحد فرا خواند.**

حزب کمونیست عراق، پس از اینکه توسط صدام حسین مجبور به فعالیت زیرزمینی شد، در سال ۱۹۸۴ دفتر خود را در شهرک «شاقلاوه»، در ۴۰ کیلومتری شمال شهر اربیل در کردستان عراق مستقر کرد. فرستاده ویژه روزنامه اومانیه در همین محل با رفیق حمید موسی و مفیدالجزایری، سردبیر «طریق الشعب»، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق که از روز ۲۱ آوریل انتشار علنی خود را پس از ۲۵ سال از سر گرفت، ملاقات کرد. از هفته دوم آوریل حزب کمونیست عراق دفاتر خود را در مرکز بغداد گشود.

سؤال: کمی بیش از دو هفته است که رژیم صدام در برابر پیشروی های واحدهای نظامی آمریکا و انگلیس فرو پاشید. نظر شما در باره این نخستین روز های پس از صدام چیست؟

جواب: ما نیز مانند همه عراقی ها از سقوط صدام خوشحالیم. این یک شادمانی مشروعی است که بیانگر احساس آزادی بازیافته است. ما بلافاصله از این آزادی برای بازگشایی دفاترمان در بغداد و نیز برای انتشار و پخش علنی سی هزار نسخه از روزنامه مان و همچنین پخش بیانیه هایمان استفاده کردیم.

روز ۱۱ فروردین ماه (۳۱ ماه مارس) گذشته حزب کمونیست عراق که در سال ۱۹۳۴ تاسیس شد، شصت و نهمین سالگرد تاسیس خود را جشن گرفت. در طول این موجودیت، ما شصت و سه سال را مخفی بودیم، و به مدت چهار سال در دوره ژنرال قاسم در یک حالت بینابینی و سپس در سال های هفتاد میلادی، و به دنبال یک موافقت همکاری دولتی با حزب بعث، دو سال را علنی گذراندیم. از آن به بعد ما فشار های سختی را متحمل شدیم و هزاران کمونیست یا کشته شدند و یا مجبور شدند راه تبعید را در پیش بگیرند ولی ما همواره فعالیت های زیرزمینی مان را در خود عراق دنبال کردیم و روزنامه ما در قطع کوچک از کردستان بطور منظم پخش می شد. این یاد آوری تاریخی به ما اجازه می دهد تا دریابیم که سقوط دیکتاتور چه ابعادی را دربر می گیرد. ولی در همین حال ما بر این باوریم که بر این جشن و سرور سایه ای گسترده شده است. این تغییر رژیم از داخل و بدست عراقی ها صورت نگرفت. چنین شد که برداشتن مانع صدام با مداخله نظامی خارجی انجام پذیرفت. اکنون باید به اشغالگری آمریکا پایان داده شود.



سؤال: آیا این خلاء قدرت بالقوه خطرناک نیست، آن چنان که انبوه چپاولگری ها، در تمامی شهرهای بزرگ به ثبوت رسانند؟

جواب: این چپاول گری ها نتیجه عوامل فراوانی است و دشواری های عظیمی را برای برقراری ثبات کشور و بنیانگذاری رژیم جدید نمایان می سازد

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

رژیم دیکتاتوری حاکم است.

کارگران و زحمتکشان میهن در بند!

نبرد دلیرانه شما برای متوقف کردن روند خصوصی سازی و تعدیل نیروی انسانی و اخراج های جمعی کارگران، بر ضد قراردادهای موقت، برای دریافت حقوق معوقه، برای یک سیستم کارای تأمین اجتماعی، زیر پوشش گرفتن کارگاه های کوچک توسط قانون کار، و همچنین در راه ایجاد تشکل های مستقل صنفی، سندیکاها و اتحادیه های کارگری بخش جدا ناپذیری از جنبش مردم میهن ما برای تحقق اصلاحات بنیادین، دموکراتیک و پایدار است. مردم میهن ما به تجربه پنج سال گذشته و همچنین دو دهه حاکمیت استبداد دریافته اند که با ادامه رژیم ولایت فقیه امکان تحقق خواست های اساسی شان وجود ندارد. در پنج سال گذشته شما در کنار ده ها میلیون ایرانی دیگر بارها به پای صندوق های رأی رفتید خواهان استقرار حاکمیت مردم بر سرنوشت شان شدید و دست رد بر سینه نمایندگان رژیم ولایت فقیه زدید ولی همچنان خواست هایتان تحقق نیافته باقی است. دولتمردانی که با قول جامعه مدنی و تحقق مردم سالاری به میدان آمدند و نیروی شما را پشت سر خود احساس کردند، به دلیل مامشات، تسلیم طلبی و در انتها دلهره «حفظ نظام» نتوانستند گام اساسی در راه تحقق قول هایشان بردارند و خودداری وسیع مردم از شرکت در انتخابات شوراها در اسفند ماه سال ۸۱ اختار قضاوت تاریخی مردم در زمینه سیاست های مامشات گرانه و تسلیم طلبانه و از دست رفتن فرصت های تاریخی مهم بود. امروز میهن ما با شرایط دشوار و بغرنجی روبه روست. حضور صدها هزار نیروی مسلح آمریکایی و انگلیسی در مرزهای ایران، خطرات جدی را برای میهن ما و همه نیروهای آزادی خواه و ملی در منطقه پدید آورده است. کارگران و زحمتکشان میهن ما در کنار همه نیروهای آزادی خواه، دموکرات و ملی عمیقاً اعتقاد دارند که سرنوشت ایران باید به دست مردم میهن ما و نیروهای اجتماعی و سیاسی آن رقم زده شود. هرگونه دخالت نظامی خارجی در میهن ما در انتها به ضرر منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان است و باید با اتخاذ سیاست های مدبرانه از چنین خطری جلوگیری کرد.

کارگران و زحمتکشان آگاه!

تجربه بیش از هشت دهه مبارزه طبقه کارگر ایران و متحدان آن و همچنین تجربه اخیر میهن ما نشان داده است که طبقه کارگر و زحمتکشان در کنار سایر گردان های رزمنده اجتماعی، یعنی جوانان، دانشجویان و زنان مبارز و پیکارگر این توان را دارد تا صف ارتجاع را درهم بکوبد و راه را برای تحولات اساسی بگشاید. درک این مهم و تلاش جدی در راه پیوند زدن مبارزات صنفی طبقه کارگر با جنبش عمومی خلق و تلاش در راه بر پای یک جبهه وسیع ضد استبداد و برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی گام اساسی بی است که در صورت تحقق آن می توان با خوشبینی به تحولات آینده کشور نگاه کرد. حضور قدرتمند تأثیر قطعی کارگران در پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و به زانو درآوردن رژیم شاه، از طریق اعتصاب عمومی نشان داد که خلق متحد با اتکا به توان سازمان یافته طبقه کارگر می تواند بر هر دشواری، پیروز شود. کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن شادباش مجدد خجسته روز اول ماه، همه اعضا و هوارادان حزب و همه نیروهای ترقی خواه میهن را به تشدید مبارزه و تلاش در راه اتحاد نیروهای ترقی خواه و آزادی خواه و تلاش در راه ایجاد تشکل های مستقل کارگری به عنوان اساسی ترین گردان رزمنده اجتماعی فرا می خواند.

فرخنده باد روز اول ماه مه، روز همبستگی رزمجویانه کارگران و زحمتکشان جهان!

با هم به سوی تشکیل سازمان های مستقل صنفی کارگران!

زنده باد طبقه کارگر رزمنده و دلاور ایران!

درد به خاطر تابناک صدها کارگر مبارز که در راه رهایی میهن جان خود را فدا کردند! کارگران و زحمتکشان در راه تحقق حقوق پایمال شده صنفی و در صفی واحد با جوانان، دانشجویان و زنان، به مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه و استقرار صلح، آزادی و عدالت اجتماعی ادامه می دهند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۲

که ده ها هزار کارگر و زحمتکش ایرانی دست در دست هم بر ضد سیاست های ضد ملی خصوصی سازی، تعدیل نیروی انسانی و بی عدالتی و ظلم دستگاه های اجرایی رژیم ولایت فقیه به تظاهرات پردازند و خواستار تحقق حقوق صنفی خود، خصوصاً برپایی تشکل های مستقل کارگری، یعنی سندیکاها و اتحادیه های کارگری گردند.

کارگران و زحمتکشان آگاه و مبارز!

شما در شرایطی به استقبال برگزار اول ماه مه، روز جهانی کارگر می روید که ده ها میلیون کارگر و زحمتکش ایرانی به دلیل سیاست های مدافع ارتجاعی ترین اشکال سرمایه داری، سالی دشوار و پر مشقت را پشت سر گذاشتند. ادامه سیاست خصوصی سازی دولت، تأکید بر «حفظ امنیت سرمایه» و «جلب سرمایه داران» در کنار «تعدیل نیروی انسانی»، یورش برای از بین بردن قانون کار و همچنین ادامه بی حقی شمار زیادی از کارگران کارگاه های کوچک که از شمول قانون کار خارج شده اند در مجموع وضعیت بسیار دشواری را برای طبقه کارگر میهن ما پدید آورده است. اعتراف صادقی، از نمایندگان رژیم، در روزهای اخیر مبنی بر اینکه به دلیل سیاست های خصوصی سازی در هفت سال گذشته بیش از یک میلیون و هشتصد هزار کارگر از کار بیکار شده اند و این روند مخرب همچنان ادامه دارد عمق فاجعه تحمیل شده به کارگران و زحمتکشان میهن ما را نشان می دهد. اگر چه آمار دقیق و موثقی در زمینه ابعاد گسترش یابنده بیکاری در کشور وجود ندارد ولی همین اعتراف نمایندگان رژیم که بیش از ۱۶ درصد نیروی کار، یعنی بیش از ۶ میلیون کارگر و زحمتکش بیکارند، در کنار ادامه روند تعطیلی و ورشکستگی واحد های تولیدی فاجعه بی است که باید با تمام توان با آن به مقابله پرداخت. در کنار این دشواری ها شمار زیادی از کارگران میهن ما ماه هاست که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند و در دشوار ترین شرایط فقر و محرومیت قرار دارند. اعتراض های گسترده کارگری در ماه های اخیر از جمله حرکت اعتراضی کارگران در شهر بهشهر که حدود ۲۸ ماه است حقوقی دریافت نکرده اند تنها مشتی نمونه خروار از زندگی روزمره و دشواری های طبقه کارگر میهن ماست.

کارگران آگاه و مبارز در سال گذشته با درایت و اتکا به تجربیات غنی جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما، تلاش گسترده بی را برای راه انداختن تشکل های مستقل کارگری سازمان دهی کردند که بسیار قابل تحسین است. این تلاش ها اگر چه هنوز در مراحل ابتدایی است ولی آغاز این روند و بسط و گسترش آن به یکی از اساسی ترین خواست های صنفی کارگران نشانگر اعتلای کیفی جنبش کارگری در نبرد دشوار بر ضد

ادامه ما از ابتکار کمونیست های عراق ...

شادمانی کامل نشد، به ویژه در زمانی که رنج میلیونها تن از مردم ما در نتیجه از دست دادن حتی مایحتاج اولیه زندگی که همواره در دسترسشان بوده است، مثل آب آشامیدنی تمیز، برق، دارو و غذا، صد چندان شده... و هیچ توجهی به تامین این نیازهای مردم نشده، که به وضوح تخطی از تعهدات معاهده های بین المللی، به ویژه قرارداد ژنو در باره مسئولیت قدرتهای اشغالگر نسبت به مردم مناطق اشغال شده می باشد. بی توجهی کامل به این مسئولیت، حتی منجر به از هم پاشیدن امنیت داخلی، اغتشاش گسترده، غارت اموال عمومی و به آتش کشاندن آنها، و اوج گیری انتقام جوئی و تصفیه حسابهای شخصی شده است.

در این موارد هیچ اقدامی صورت نگرفت، حتی وقتی که دار و دسته های خرابکار و ویرانگر به بیمارستانها، کتابخانه ها، موسسه های آموزشی و موزه ها حمله کردند و موجودی آنها را غارت کردند؛ افراد این دار و دسته ها کسانى نبودند جز نزدیکان و همدستان دیکتاتوری سقوط کرده و مزدوران سرویس مخفی او، به علاوه جانیان حرفه ای که وی در حدود شش ماه پیش، در جریان «عفو» رسوائی آوری که آن زمان اعلام کرد، از زندانها آزاد کرده بود.

غارت و ویرانگری... نشانه آزادی؟

در مواجهه با اعتراض های گسترده نسبت به عدم اقدام برای کنترل و دفع این اعمال جنایتکارانه، مقامات آمریکائی و انگلیسی آنچه را که اتفاق افتاد «یک چیز طبیعی» اعلام کردند که در پی سقوط هر رژیم مستبدی پیش می آید! وزیر دفاع آمریکا حتی تا آنجا پیش رفت که گفت عراقیها آزاد شده اند، و با آنچه کردند (غارت و دزدی) در واقع تمرین آزادی می کنند! پس چرا باید اعتراض کرد! اما آنچه به ویژه سبب خشم زیاد و اعتراض جدی مردم ما و نیز در سطح بین المللی شد، آن بود که این رفتار غیرمسئولانه منجر به وخامت شدید و خراب شدن وضعیت بیمارستان ها و خدمات آب و برق رسانی، در نتیجه غارتگری شد. این وضع به نوبه خود، رنج و بدبختی میلیون ها عراقی را افزایش داده است.

یاری گرفتن از عناصر رژیم دهن شده!

حتی بد تر از این توجیه مقام های آمریکائی و انگلیسی است که با بهره جوئی از اعتراض و شکایت همگانی نسبت به در هم ریختن نظم و قانون، تلاش دارند از نیروی پلیس صدام و عناصر حزبی رژیم سابق که بیعت گذشته خود را تخطئه کرده اند و به خدمت اشغالگران درآمده اند، یاری بگیرند البته استفاده از بعضی از عناصر نیروی پلیس سابق، در زمانی که نیازی روزافزون به برخورد فوری و جدی به وضعیت امنیت کشور است، گناه نیست. اما باید دقت کرد که اینان جزو آنهایی نباشند که در جنایت بر ضد مردم، یا در فساد و رشوه خواری دست داشته اند، و باید جزو آنهایی باشند که به قانون و حقوق بشر احترام می گذارند. از سوی دیگر، با فروزتر شدن رنج روزمره میلیونها عراقی، سازمان ملل و سازمان های بشردوستانه بین المللی از همه کشورهای جهان، به ویژه آمریکا و انگلستان به عنوان دو نیروی اشغالگر، خواسته اند که علاوه بر تامین امنیت و ثبات، برای تضمین تامین آب آشامیدنی و مواد غذایی برای مردم سریعاً اقدام کنند، چرا که آنچه تاکنون تدارک شده بود رو به اتمام است. تحت چنین شرایطی، تلاشهایی در شرف وقوع است که روند زمینه سازی برای برپایی «یک دولت عراقی» را به پیش می راند، دولتی که قرار است به عنوان بخشی از یک حکومت نظامی عمل کند که آمریکا مطابق نقشه های از پیش تهیه شده، می خواهد در عراق ایجاد کند.

مردم حکومت نظامی نمی خواهند

همان گونه که تا کنون شواهد زیادی نشان داده است اشغالگری و حکومت نظامی به طور کلی مورد تائید و پشتیبانی مردم ما نخواهد بود. مردم ما مبارزه کردند تا از رژیم دیکتاتوری و سرکوبگر صدام رهایی یابند تا بتوانند بر روی بقایای آن حکومتی دموکراتیک بنا کنند که بیانگر اراده مستقل آن ها باشد و به خواسته های برحق آن ها جامه عمل بپوشاند، نه یک حکومت نظامی سرکوبگر تازه! روشن است که رژیم دموکراتیک، که مردم ما در آرزوی آن هستند، در یک عراق مستقل و فدرال واحد، توسط هیچ حکومت نظامی، خارجی و یا عراقی، بر پا شدنی نیست. چنین حکومتی باید از راه برپایی یک دولت موقت ائتلافی دموکراتیک و میهنی حاصل شود که مبتنی بر نمایندگی گسترده نیروهای نماینده مردم و احزاب سیاسی آن ها باشد که زمانی طولانی علیه دیکتاتوری و برای استقرار گزینه ای دموکراتیک مبارزه کرده اند.

تنها چنین دولتی که نماینده منافع و آمال مردم ما، شامل همه اقشار و طبقات اجتماعی و مولفه های ملی و سیاسی آنها است، واقعاً می تواند ضامن گذار کشور ما، به صلح و امنیت و احترام برای حقوق و آزادی های مردم، به دوران مطلوب فدرال دموکراتیک و ثبات باشد. فقط به چنین دولتی می توان اعتماد کرد که قانون اساسی جدید عراق دموکراتیک را تهیه کند و پیش نیازهای انجام انتخاباتی آزاد و عادلانه را فراهم کند تا در آن مردم دولتی را که می خواهند انتخاب کنند.

برای استقرار دولت ائتلافی دموکراتیک انتقالی، نخست باید به اشغال کشور ما پایان داده شود و قدرت به دولتی موقت تحت نظر سازمان ملل منتقل شود. وظیفه این دولت در درجه اول و پیش از هر چیز دیگر، فراخواندن یک کنفرانس با شرکت نمایندگان نیروهای مردم عراق، احزاب سیاسی آنها، و دیگر انتخاب کنندگان، و نیز نظارت بر برپایی این کنفرانس است که می تواند درباره استقرار دولت ائتلافی و ترکیب آن تصمیم گیری کند.

توجهی به مردم و سرزمین مادری نداشت و بهای سیاستهای احمقانه او را پرداختند... فداکاریهای این مردم در راه برانداختن این دیکتاتوری بی حساب و کم نظیر است. اگر توصیف رنج مردم ما و عمق درد و غم آنها زیر حکومت استبدادی و وحشیانه صدام تا همین روز گذشته دشوار بود، امروز توصیف شادمانی توده های مردم از سقوط دیکتاتور و خلاص شدن از رژیم او، علیرغم همه مصیبت ها و دردی که سقوط او در نتیجه تجاوز و جنگ به همراه داشت، دشوار است، جنگی که می شد و می بایست از آن اجتناب می شد. شکی نیست که این تجاوز و تعدی به کشور، با پشتیبانی پیشرفته ترین تکنولوژی نظامی و مخرب ترین وسایل جنگی کلاسیک، بود که در هم کوبی تواناییهای نظامی رژیم و تلاش ساختارهایی را که رژیم به آن متکی بود امکان پذیر کرد و مستقیماً منجر به سقوط دیکتاتوری شد.

رژیمی مغرور و منزوی

اما شکی هم نیست که این تنها علت سقوط نبود. این رژیم به دلیل بنیادی دیگر در هم پیچید و سقوط نمود: سنگینی جنایتهایش بر ضد مردم، سوء استفاده اش از منافع و خودمختاری کشور، و فرار دادن مردم و کشور در معرض فجایع پی در پی و بی انتها، که تازه ترین آنها فجایع جنگ اخیر بود. علت سقوط رژیم را باید در مجموعه این فجایع جست: جدائی کامل و عمیقی بین مردم از یک سو و دیکتاتور و اعوان و انصارش از سوی دیگر؛ و نیز، تنفر و خشم نسبت به مستبد و حکومتش که عمیقاً در بین مردم وجود داشت... منجر به مبارزه ای دشوار و جانفرسا، فداکارهای عظیم و بی اندازه، در راه سرنگونی دیکتاتوری و رهائی از نکتب و آثار شوم آن توسط نیروهای میهن دوست شده بود. بنا بر این، کاملاً طبیعی بود که مردم از دیکتاتور فاصله بگیرند، و حتی به فکر دفاع از او نیا فتند، به طوری که او و اطرافیانش مجبور شوند به تنهایی به مصاف سرنوشتشان بروند، که هیچ کس تردیدی نداشت که جز شکست و سقوط پایانی نخواهد داشت.

مردم دیکتاتور را مجازات می کنند.

مردم ما دیکتاتور و اطرافیانش را به سبب تمام تعدی ها، تجاوزها و جنایتهایی که مرتکب شدند، مجازات کرده اند. بنابر این، طبیعی بود که مردم از سقوط و سرنگونی حاکمان دیکتاتور متناسف نباشند، و هیچ کس برای آنها، وقتی که به سرنوشت ناگزیرشان دچار می شدند، قطره اشکی هم نریزد. اما شادمانی مردم ما در پی سرنگونی مستبد و حکومت او، بدان معنی نبود که از اشغال و تجاوز خشنود و خوشحال اند. از همان آغاز، مردم ما، به راههای گوناگون، نظر خود را مبنی بر محکومیت جنگ و مصیبتی که بر جای گذاشت، و بلاهای تازه ای که، بویژه در پایان جنگ، گرفتار آنها شد و شادی رهائی از دیکتاتور و رژیم بیرحم او را در کام آنها زهر کرد، و تقریباً از بین برد، ابراز کردند و کماکان هم ابراز می کنند. همچنین، مردم ما تلاش خود را در مخالفت با تحصیلات برنامه ریزی شده بر عراق ادامه می دهند.

شادمانی نا تمام

آری سرنگونی صدام و دیکتاتوری اش موجب

محورهای کنترل اوضاع سیاسی-اجتماعی و اقتصادی عراق به نیروهای سیاسی مردمی، مانع خطر جایگزینی یک دیکتاتوری جدید گردد. رفیق حمید موسی، دبیرکل حزب کمونیست عراق، در ۲۵ آوریل ابتکار محوری و عمده کمونیست ها در مرحله کنونی را در رابطه با تلاش برای تشکیل یک کنفرانس ملی با شرکت تمامی نیروهای سیاسی مدافع دموکراسی در عراق اعلام کرد. دستور کار اصلی این کنفرانس که کارزار تبلیغ و کار توضیحی توده ای در رابطه با آن هم اکنون در بغداد و شهرهای اصلی عراق در جریان است، توافق در مورد یک جایگزین دموکراتیک در کشور خواهد بود.

سقوط دیکتاتوری!

به نقل از «طریق الشعب» (راه خلق)، ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق فروردین ۱۳۸۲، شماره ۹، شصت و هشتمین سال نخستین شماره «طریق الشعب» (ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق) در اولین روزهای پس از سقوط و نابودی رژیم دیکتاتوری صدام، منتشر شد. دهها هزار نسخه از این شماره روزنامه آزادانه در بغداد و دیگر شهرها و شهرستان های سراسر عراق توزیع شده است. آنچه در ادامه می خوانید، سرمقاله ای است که در نخستین صفحه اول آن چاپ شده است:

مردم ما در آرزوی یک عراق واحد، فدرال، مستقل و

دموکراتیک

سرانجام.... رژیم سرکوبگر، وحشی و خونخوار صدام حسین سقوط کرده است؛ یکی از مستبدترین دیکتاتوری ها در تاریخ نوین منطقه و جهان، و شاید بتوان گفت تنها دیکتاتوری که باعث و بانی ویرانی و نابودی و خسارت گسترده در کشور و به مردم خودش بوده است، خساراتی مادی و معنوی، و اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی، در همه جنبه های زندگی! با سقوط مستبد و رژیم اش، اکثریت قریب به تمام مردم عراق، که نخستین و اصلی ترین قربانی بی عدالتی و سرکوب، و خوراک همیشگی تعدی های نظامی و جنگهای داخلی و خارجی او بوده اند، به آرزوی خود رسیده اند. اینان بودند که در درجه اول و در نهایت بهای سیاست بی ملاحظه او را که هیچ



نخستین و اصلی ترین قربانی بی عدالتی و سرکوب، و خوراک همیشگی تعدی های نظامی و جنگهای داخلی و خارجی او بوده اند، به آرزوی خود رسیده اند. اینان بودند که در درجه اول و در نهایت بهای سیاست بی ملاحظه او را که هیچ

ادامه در صفحه ۳

کمک های مالی

۱۰۰۰ کرون

آهنگر از نروژ

۵۰۰ کرون

به یاد رفیق وارطان از دانمارک

ما از ابتکار کمونیست های عراق در رابطه با تشکیل یک دولت گذار دموکراتیک موقت حمایت می کنیم!

در هفته های اخیر و متعاقب سقوط رژیم دیکتاتوری در عراق گفتگو ها و تبادل نظرهای متعددی بین نمایندگان رهبری حزب توده ایران و کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق در رابطه با تحولات سریع سیاسی در عراق و چگونگی شکل گیری وضعیت بدنبال اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی-انگلیسی و امکان سازمان دهی یک جایگزین دموکراتیک قدرتمند و معتبر صورت گرفته است. در این گفتگو ها در کنار اعلام همبستگی حزب توده ایران و نیروهای ترقی خواه کشور با مبارزه کمونیست ها و میهن پرستان عراقی، تاثیر تحولات عراق بر منطقه خلیج فارس و ایران و تاثیر سیاست ها و موضعگیری های رژیم «ولایت فقیه» در تحولات این کشور و موضع گیری نیروهای تحت نفوذ جمهوری اسلامی مورد بحث قرار گرفت. رهبری حزب برادر در این گفتگو ها با توضیح تحلیل خود از آخرین تحولات کشور و ابتکارات خود به منظور اتحاد نیروهای خلقی در عراق، خطوط محوری مبارزه خود را در مرحله کنونی ترسیم کرد. حزب کمونیست عراق بلافاصله پس از سرنگونی رژیم صدام بازگشایی دفاتر رسمی خود در بغداد و سایر شهرهای عراق را اعلام نمود و «طریق الشعب»، ارگان مرکزی حزب برادر، اولین روزنامه ای بود که پس از سقوط دیکتاتوری وسیعاً در عراق پخش شد. از دیگر تصمیم های حزب کمونیست عراق قرار انتشار هفتگی طریق الشعب و گسترش برنامه های رادیویی «صدای خلق»، ایستگاه های رادیویی و تلویزیونی حزب است. در این تبادل نظرات کمونیست های عراقی نگرانی های خود را از اینکه مقامات آمریکائی کوشش دارند از خلاء قدرت کنونی برای مهره چینی و شکل دهی مسیر آینده سیاسی عراق استفاده کنند، ابراز داشتند. نیروهای اشغالگر آمریکایی با مخالفت پیگیر با تشکیل جبهه متحدی از نیروهای مخالف و مردمی سعی دارند که رژیم آینده حاکم بر عراق را از درون مهره های حاضر در صفوف نیروهای مورد اعتماد پنتاگون و سیا تشکیل دهند. مخالفت سرسختانه دولت آمریکا با ایفاء هرگونه نقش تاثیر گذاری از سوی سازمان ملل متحد را باید در این رابطه دید. هم سخنی برخی از نیروهای اپوزیسیون سیاسی عراق و از جمله «جبهه میهنی کردستان» با ایالات متحده در رابطه با نقش سازمان ملل متحد بر بغرنجی اوضاع افزوده است. کمونیست های عراقی نگرانی خود از ظهور اولین نشانه های جدی برخورد استعمار گرانه نیروهای آمریکایی در رابطه با اینکه چه نیروهایی می توانند در تحولات آینده عراق نقش ایفاء کنند و همچنین تهدیدات فزاینده آمریکا بر ضد ایران و سوریه را بیان کردند. در حالی که خطر واقعی سازماندهی موثر و دوباره نیروهای وابسته به رژیم دیکتاتوری سابق و نشانه های برخی هماهنگی های آنان با اشغالگران آمریکایی-انگلیسی به منظور ایفاء نقش مشخصی در حاکمیت آینده عراق قدرت می گیرد، تمامی هم و غم سیاست گذاران آمریکایی جلوگیری از شرکت کمونیست ها و نیروهای رادیکال در دولت گذار است. حزب کمونیست عراق با درک اوضاع حساس سیاسی کشور و در نظر گرفتن تمامی احتمالات با واقع بینی و درک حساسیت های موجود در منطقه سعی دارد که با تسریع انتقال

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر ونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 659
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

29 April 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse